هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب توده ایران) سال سوم، شماره ۲۱، شنبه ۱ شهریور ماه ۱۳۵۷

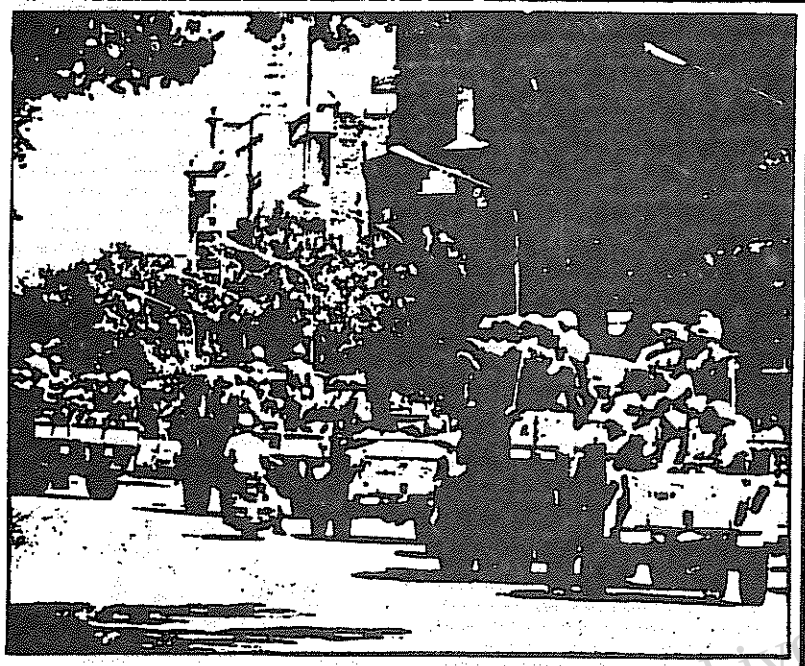

خیابان‌ها در اشغال نیروهای نظامی شاه

رژیم شاه فرومی ریزد

سقوط دولت آموزگار و روی صحنه آمدن هویدا، صحنه سازی دیگری جز شریف امامی، از دولتمدار نمی‌تواند مورد توجه قرارگیرد. محبت این که بدانید در رحال نزدیک و نزدیکتر شدن است و زیر فشار بحران خرد کننده و خلاع ناپذیری که هردم بر شمول و عمق آن افزوده می‌شود چاره ای جز عقب نشینی و تدارک و اجرا و تحریر های تازه برای خود نمی‌بیند. و در تنگنائی این که شاه می‌خواهد با کثیفترین فرامنه وحزبی ترین تحریر پی مایه ترین نمایش به صبر و رشد های حیاتی تحول و دگرگونی های بنیادی گزنده وارجامعه را می‌لرزاند پاسخ دهد. اما این حیله سبب بازیافته مردم و زیرکی حساب شده ای که در آن به کاربرده، سرانجام ناشیانه است و بی دور نیست این که چرا شاه به اصطلاح از میان پیشکسوتان خرجین را انتخاب کرده و شهره شناخته شده پی اختیاری چون رئیس مجلس سنای عرضه‌ی خود را به کارگرفته است. همه دلایل زیرکی ناشیانه او را در بر دارد. او شهره ای را انتخاب کرده که داغ نوکری آیا مهر و حمیتی نقش بسته. به این ترتیب واندود می‌کند آنچه را که مردم از او می‌گویند مطلب شنیدنی هایی را که خشن سراسری و رو به انقلابی خلق به او تحمیل می‌کند به میل خود میدهد و در واقع این بومی اکرام شاهانه است. از ضربتی شاه و رژیم بحرانی چنان متزلزل و منفور شده که این وحشت و جود دارد سپردن قدرت به شخصیتی که کمترین وجاهت ملی و حیثیت و اعتباری را داشته باشد. به این ترتیب در سلک چاکران درگاه و بندگان بی اراده و غیور درباز قرارنگرد. مواضیت سلطنت او را به خبر خدی در معرض شبهه قرار دهد. از این دو مورد که بگذریم اصولا شاه نمی‌تواند انتقادی به تحول داشته باشد و نه می‌خواهد به پیشباز چنین خطری برود. چیزی است که بردن آموزگار و آوردن سپهبد امامی به حور تحریر بدون تغییر، تحول می‌تحول و به عبارت دیگر دوچیز کردن به قصد نیرنگ است.

محبت وزیر جدید که از ۱۰ سال پیش ریاست سنا را به عهده داشته و به عنوان یکی از عاملان اصلی رژیم استبداد ساختن و باید اوری نقیم مسئول پلیسی و آنچی سیاه وحشی اختناقی آن محل گرده است، تا آنجا به شبه بلد اصرار ضرد ارتجاعی اساسی «بلد آزاد بخواه اصلاح طلب و حسود از آب در آمده است. چگونه! مگر در این ۱۰ سال چه روی داد که ایلیس را به توبه و مامور استبداد را به مردم آزاد و عدل ساعته است؟ جز این است که حکومت کنندگان دیگر قادر نیستند به سیاق گذشته حکومت کنند و حکومت شوندگان از ادامه شیوه های دیرین حکومت را نمی‌پذیرند؟ توان آنرا ندارند. کارگزاران دیگر مانه هـــا و نابران در کوچه و خیابان با شکنجی ازهم می‌پرسند: آیا انقلاب آغاز شده است؟»

و در این فضایی که سرشار از انتظار و تلق و دگرگونی بنیادی است و سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، دزخیم و گوه و زندانبان هم ناچارند لباسهای خود را عوض کنند. احاطط لباسهایشان را . . . ظهور دولت مستعجل شریف امامی در این متن پر تلاطم اجتماعی بیشتر و بیشتر قابل درک است. به پرسشان اولیس سؤالی که مطرح می‌شود اینست:

«اگر تغییر شرایط و مدار خروج ها حضرات را به شیوه از او ج خونریزی دولتی به کنایه به اصطلاح فضای سیاسی و اداشته است، چه ضمنی وجود دارد که در اولین فرصت مناسب طویل‌ها و باره زنجیر خود را پاره نکنند و به جان مردم نیفتند. گرچه هنوز هم به صبح وحدا از جان مردم دست برنداشته اند. این سؤ ظن موجه و منطقی را دلایل و شواهد بی‌شماری تائید و تقویت می‌کند. پس از آزادی و آزادسازی بختیار است. اما تمامی نهادهای استبداد و تیرو سرکوب چون سـتـ سکت رابه ارثیه داده اند. ساواک همچنان سایه ابلیسی خود را بسا مظیم ترین سلاحها به دولتی و بخاطرترین و بی حساب ترین بود حه و نسا محدود ترین اختیارات در مرکوب و آدمکشی برکنور گسترده است. در دادگاه های نظامی به مثابه ابزار دیکتاتوری و ضارع از مراحل و قانونی و مقالات عمل می‌کند. در پایه شاه مجرمه سیاسیهای حد طول صد خلق مرکز قدرت مثلثه مردی همچنان پابرجاست. مجلس کاریکاتور بیش نیستند و قوه قضائیه در چنگ قوه مجریه به تمامی سیاه شده قانون دل شده. با این زمینه ها و بنیادهای عینی، چگونه می‌توان دم از آزاد ساز زد؟ چگونه می‌توان این دعاها را باور برد و باور کرد؟

مگر نه این که نظام استبدادی از انعکاس شرایط اقتصاد و پرسناسیاسی اجتماعی و چگونگی توازن نیروهای طبقات و قشرهای مختلف است؟ استبداد، دیدبانی انتظامی نیست پوسته و غلاف نوعی از حکومت طبقاتی است که در تمامی جوامع متقسم به طبقات متضاد، بر اقلیتی مسلح و بدون پایگاه طبقی تکیه دارد. وقتی پایه و شرایط عینی استبداد دست نخورده باقی می‌ماند، مطمئن می‌توان انتظار داشت که آثار و نتایج آن به گور سپرده شود؟ وقتی طبقه پابرجاست، دل خوش کردن به گرفتن محلیل تنها ساده لوحی گرد کاسیاست.

دنباله در صفحه ۲

کارگران ایران، در راه احیای حقوق سندیکایی خود مبارزه کنید!

اینک بیش از ۲۵ سال است که با تصویب سند یکایی مصوب سال ۱۳۳۶ سندی تحت عنوان "اعلامیه جهانی حقوق سند یکایی" تصویب و انتشار داده است تا در سراسر جهان برای مبارزه و حمایت از حقوق همبستگی سند یکاها به مثابه پایه مورد استفاده قرار گیرد و به تقویت سازمان سند یکایی همه کشورها یاری رساند.

در مقدمه سند گفته می‌شود با آن که در عرصه بین المللی، اصول آزادی های سند یکایی که باید در همه کشورها مراعات گردد بیش از پیش به رسمیت شناخته می‌شود به ویژه طی رژیم آن که مقاوله نامه های بین المللی کار، اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقاوله نامه های مربوط به حقوق بشر، آزادی ها و حقوق سند یکایی را تأیید می‌کنند، معذالک حقوق زحمتکشان در صنعت و کشا ورزی و حقوق سازمانهای آنها از جانب دولت های مرتجع و کارفرمایان وسیعاً و آشکارا پایمال می‌گردد.

بخشی از حقوق سند یکایی زحمتکشان را آن چنان که در اعلامیه جهانی حقوق سند یکایی آمده است در نظر بگیریم:

- زحمتکشان حق دارند آزادانه بدون کسب اجازه گرد هم آیند، درباره کلیه مسائل مورد علاقه خود بحث و اظهار نظر کنند.

- زحمتکشان از آن جمله کارمندان دولت حق دارند سند یکا تشکیل دهند، به سازمان های سند یکایی موجود بپیوندند بدون اجازه و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان در هرگونه فعالیت سند یکایی شرکت نمایند.

- اعضای سند یکا آزادانه اساسنامه سند یکای خود را تنظیم می‌کنند و طرز کار و فعالیت های سند یکا را بدون دخالت و کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان سازمان می‌دهند.

- اعضاء سند یکا حق دارند برطبق اساسنامه سند یکا رهبران خود را انتخاب کنند و به تصویب ارگان های رهبری سند یکایی انتخاب بشوند.

- زحمتکشان حق دارند برای دفاع از منافع خود در هرگونه عمل سند یکایی اعم از اعتصاب، تحریم، تشکیل گروه انتظامات اعتصاب (پیکت)، اشغال محل کار، تقاضا عرضه تظاهراتی و اشکال دیگر مبارزه، سند یکایی شرکت جویند.

- زحمتکشان حق دارند برای ابراز همبستگی به اعتصاب بسیا اقدامات دیگری که مناسب می‌دانند دست بزنند و به این مناسبت نباید حقوق یا بازخواست دادگاه تحت تأثیر قرار گیرند.

- زحمتکشان حق دارند مطبوعاتی را که مایلند به دست آورند، مطبوعات و نشریات سند یکایی و کارگری را پخش کنند. به عضویت سند یکایی بپیوندند و بدون دخالت مقامات دولتی و کارفرمایان آموزش سند یکایی ببینند و سند خود را کسب نمایند.

- زحمتکشان حق دارند به سازمان سند یکایی مراجعه نمایند و در کلیه مسائل مربوط به دفاع از منافع و حقوق فردی و اعضای خود از آن کمک گیرند.

- همکاری جزیی یا کامل یک زحمتکش به هیچ وجه نمی‌تواند مانع برخورداری وی از تمام حقوق سند یکایی گردد.

این حقوق که در هرکشور دموکراتیک کاملاً ابتدایی به حساب می‌آید، در ایران تحت رژیم منفور استبدادی محمد رضا شاه تماماً پایمال می‌گردد. اعتصابات، حتی در مساجد هایه گلوله بسته می‌شود. کارمندان دولت حق تشکیل سند یکا ندارند، اساسنامهٔ سند یکا باید به تصویب وزارت کار و رسانه برسد. برهبران سند یکا از طرف ساوا که منصوب می‌شوند، تظاهرات مسالمت آمیز زحمتکشان و اعتصابات آن هایه خون کشیده می‌شود. زحمتکشان فقط مطبوعاتی را که از سازمان امنیت گذشته یا وزشاه به دست می‌آیند به دست آورند و آموزش سند یکایی تنها تا حدودی که وزارت کار و جامعه شناسی طباطبائی و غریب کارگران لازم می‌دانند انجام می‌گیرد. از رئیس که شیوه های فاشیستی را به کار می‌برد جز این انتظار داشت.

به موجب منشور اعلامیهٔ جهانی حقوق سند یکایی در رژیم دموکراتیک:

- سند یکاها حق دارند به سیاست کلی زحمتکشان، برطبق اساسنامه ای که خود آنان آزادانه تنظیم و تصویب کرده اند بدون دخالت یا کنترل مقامات دولتی و کارفرمایان، فعالیت نمایند. سند یکاها شخصیت حقوقی دارند.

- سند یکاها حق دارند طرز انتخاب رهبران و ارگان های اجرای خود را آزادانه تعیین کنند، اداره امور داخلی خود را سازمان دهند و برنامه عمل خود را تدوین نمایند.

- اداره امور مالی سند یکا، حفظ حق سند یکا، و مقامات دولتی و کارفرمایان حق دخالت و کنترل آن را ندارند. اموال و دارایی سند یکا را به هیچ عنوان نمی‌توان مصادره کرد.

دنباله در صفحه ۲

پیروز باد مبارزهٔ قهرمانانهٔ مردم ایران علیه استبداد سلطنتی محمد رضا شاه

www.iran-archive.com

با ما تماس بگیرید!

حزب توده ایران از همه هواداران حزب در ایران دعوت می‌کند، بگذارید برای رهبری حزب در شرایط کنونی، که اوج انقلاب نزدیک است، پیشنهادهای خود را درباره سیاست، سازمان و تشکیلات حزب در اختیار رهبری حزب قرار دهند. ما معتقدیم که حزب ما باید بتواند با توجه به تجربه گذشته و با توجه به شرایط کنونی، سیاست درست را تعیین کند و برای پیاده کردن آن، سازمان مناسب را بوجود آورد. ما معتقدیم که حزب ما باید بتواند با توجه به تجربه گذشته و با توجه به شرایط کنونی، سیاست درست را تعیین کند و برای پیاده کردن آن، سازمان مناسب را بوجود آورد. ما معتقدیم که حزب ما باید بتواند با توجه به تجربه گذشته و با توجه به شرایط کنونی، سیاست درست را تعیین کند و برای پیاده کردن آن، سازمان مناسب را بوجود آورد.

برای برقراری تماس، هر یک از رفقای عضو حزب و هواداران ما در اطمینان شما از راه دور و از طریق یک تلفن عمومی به یکی از شماره‌های تلفن زیر که با حروف الفبا مشخص شده است، تلفن کنید و پس از گرفتن شماره، بدون حرف زدن، گوشی را بگذارید. پس از ۲ یا ۳ بار تلفن کردن، ما با شما تماس خواهیم گرفت.

۷۹۳۳۲۹۹	ب
۸۹۰۰۲۲۳	م

کارگران ایران، در راه احیای حقوق سندیکایی خود مبارزه کنید!

سازمان‌های سندیکایی حق دارند به‌طور مستقل اساسنامه‌ی خود را تنظیم کنند.

سازمان‌های سندیکایی حق دارند به‌طور آزاد نمایندگان خود را انتخاب کنند.

سازمان‌های سندیکایی حق دارند برای انتخاب نمایندگان خود، برنامه‌ی فعالیت خود را تنظیم کنند.

سازمان‌های سندیکایی حق دارند برای رسیدن به هدف‌های خود، از هر وسیله‌ی قانونی استفاده کنند.

سازمان‌های سندیکایی حق دارند برای دفاع از منافع و حقوق زحمتکشان، درباره‌ی اقدامات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت اظهار نظر کنند و در مورد کلیه مسائلی که با منافع و حقوق زحمتکشان ارتباط دارد، با آن مقاماتی که صلاح می‌دانند مذاکره و اقدام کنند.

سندیکاها حق دارند درباره‌ی تصمیم‌ها و اقدامات غیرقانونی کارفرمایان و از آن جمله با استفاده از دولتی که اداره نماید و یا آن مقاماتی که در یک حرفه یا بخش، از حرفه مالکیت‌هایی به طبقه کارگر زیان جسمی متعلق سازند.

سندیکاها حق دارند در کلیه مؤسساتی که به مسائل مربوط به زحمتکشان می‌پردازند، بدون مانع نماینده‌ی خود را جهت دفاع از منافع آنان به این مؤسسات قانونی بفرستند.

سازمان‌های سندیکایی حق دارند که در اداره و تنظیم امور بیمه‌های اجتماعی و سازمان‌های تأمین اجتماعی حرفه‌ای، به‌طور مستقل شرکت کنند.

سازمان‌های سندیکایی باید در کلیه مواقعی که به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به زحمتکشان مربوط باشد، به‌ویژه هنگام تنظیم قوانین و آئین‌نامه‌های مربوط به کار، از آن‌ها حق داده شود که نظرات خود را بیان کنند. آن‌ها حق دارند طرح‌های قانونی تنظیم نمایند.

افرادی که به عنوان نمایندهٔ کارگران انتخاب می‌شوند حق دارند به کارگاه‌ها و امکنهٔ مؤسسه‌ها مربوطه رفته و آن‌ها را کنترل کنند و اگر کارگران در ساختمان‌های سازمانی ساکن باشند به مسکونی کارگران وارد شوند.

سندیکاها حق دارند به منظور تشکیل فدراسیون‌ها و کنفدراسیون‌های ملی و بین‌المللی با سندیکاهای کشورهای دیگر محل کار خود، پیمان جمعی منعقد سازند.

سندیکاها حق دارند با همبستگی یکدیگر به پشتیبانی از کارگران یک کارخانه یا یک رشته‌ی تولیدی یا سندیکاها برای تغییر شرایط کار از جانب کارفرما اقدام مؤثر و مقتضی بنمایند.

در کلیه مواردی که اقدام کارگران جلی با تشدید زندگی کارگران همراه باشد، سندیکاها حق دارند تعطیل حضوری کار را اعلام کنند.

به نظر اساسی به تاریخ جنبش سندیکایی ایران نشان می‌دهد که زحمتکشان میهن ما باید در این قیام‌های مردان دلیر و مبارز خود طی صدها شکست‌هایی پس از دوران جنگ جهانی که ارتجاع و امپریالیسم در اثر شکست ما تحمیل شده بود، توانستند بخشی از این حقوق را به دست آورند و استفاده به هواداران خود را تشکیل دهند. همین سازمان‌های اتحاد به‌های کارگران و زحمتکشان را به وجود آورند. اکنون همه این حقوق که طبیعی مکاتبه نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌رسمیت شناخته شده است، تماماً از طرف رژیم استبدادی و ضد ملی محمدرضا شاه لگدمال می‌شود.

پس از آن که هیئت حاکمه ضد کارگری ایران اتحاد به هواداشی کارگران پیشاهنگ ما و دیگر طبقه کارگر را در هم کوبید، سازمان کارگران ایران "رابه وجود آورد که منحصراً "سازمان‌های کارگری" تأسیس می‌کرد. آن کاملاً صدق می‌کند: این سازمان یکی از دوایر حزب دولتی رستاخیز است و از طرف وزارت کار و رفاه اداره می‌شود. همانطور که در اول ماه مه حزب توده اطلاعات ۱۲ فروردین ۱۳۵۷ "بسیاری از سندیکاهای کارگری یا تأسیس کارگر منتخب واقعی کارگران نیستند. در نتیجه کارگر هم بآنها اعتماد ندارد". در حالی که با کارفرمایان ازدواج واقعی می‌بیند، استخدام کارگر طبق نوشته همان شماره‌ی اطلاعات "اکثریت قریب به اتفاق شکایات و اعتراض‌ها کارگری را در همین گام اول خاتمه می‌دهد. در این جا باید به وزارت کار و امور اجتماعی "از محاسبات و تبلیغ عملکرد طبقاتی اصل سیاه" سازمان کارگران ایران را تشکیل می‌دهد. وجود این مشخصات علت عمده زحمتکشان ایران را از سندیکاهایی که به وسیله سازمان کارگران ایران ساخته می‌شود روشن می‌سازد. این قبیل سندیکاها اگر هم به کار قانونی بپردازند کارگران تازه کار را می‌پذیرند، ولی چون در راه دفاع از حقوق زحمتکشان کوچکترین گامی برنمی‌دارند، نمی‌توانند در مقابل ساختمان آن حاکمیتی به دست آورند. به همین سبب است که طبق نوشته همان عملکرد اطلاعات "بسیاری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها تنها در سطح سطلکه ممکن در سطح شهرها نیز هنوز سندیکا یا کارگری ندارند". ده‌ها هزار کارگر ایران که در اتحاد به‌های واقعی وابسته به شورای متحد مرکزی فعالیت کرده‌اند بیشتر از آنان مکتب پر اعتبار حزب توده ایران را گذرانده‌اند، مفهوم سندیکای واقعی را به حسی درک می‌کنند. این کارگران را نمی‌توان در سندیکاهای نامبرده ضمن همان محمدرضا "حاضر شاه" متشکل ساخت.

کارگران و زحمتکشان مبارز ایران که در راه سرنگونی رژیم ضد ملی و استبدادی محمدرضا شاه مبارزه می‌کنند خواهند توانست با پیوند دادن مبارزات سیاسی و اقتصادی با مبارزه در راه حقوق و آزادی‌های ضد سندیکایی مبارزه‌ی متحد سازمان‌های سندیکایی واقعی خود را به وجود آورند و حقوق پایمال شده‌ی سندیکایی خود را احیاء کنند.

نقل از جزوهٔ دفاع خرداد ۱۳۵۷

می‌برند، می‌خواهند خواسته‌های خود را [illegible] در محدوده‌ی قانون اساسی و نظام مشروطه سلطنتی محدود کنند. برای نمونه، از اختیارات وسیعی که رژیم در عرصه فضای سیاسی خود به آنها داده است استفاده کنند و سعی خود را بر مبارزه سیاسی خود به آنها محدود کنند و با جنبش پادشاه خود در صحنه‌گردان جدید مبارزه "انقلاب میهنی استبداد در کشور سلطنتی ایران را به انزوا در آورده است و هیچ فرصت گرانبهائی را به این قرصت‌ها راهم ندارند. آنها نه شریف امامی‌ها هستند و نه بیم استبداد دینی و ضد خلقی شاه را با خود همراه د